

وقتی فرقه رادیکال ری استارت در مسیر جونز تاون قدم می‌گذارد



لید:

وقتی یک جریان رادیکال، زبان «کشتن»، «کشته دادن» و «دشمن‌سازی بی‌مرز» را محور گفتمان خود می‌سازد، تاریخ به ما هشدار می‌دهد که این مسیر، بی‌شبهات به راهی نیست که «جیم جونز» طی کرد؛ مسیری که از کاریزمای مسموم آغاز شد و به فاجعه جونز تاون ختم شد. امروز در بخشی از گفتار رسمی سرکرده ری استارت، همان الگوهای خطرناک _ از تقدیس مرگ تا محاصره ذهنی و توطئه‌باوری _ آشکارا دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که ضرورت نگاه بیدار جامعه و رسانه‌ها را دوچندان می‌کند.

۱. جیم جونز؛ یک هشدار تاریخی

برای بسیاری نام «جیم جونز» مبهم است، اما در تاریخ فرقه‌های مخرب، او نماد خطری است که از دل کاریزمای سلطه‌گر و گفتارهای نجات‌بخش سربرمی‌آورد. جونز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ واعظی محبوب بود که از

عدالت و رهایی سخن می گفت، اما به تدریج خود را تنها منبع حقیقت معرفی کرد و هر صدای دیگری را دشمن دانست.

فرقه او، «معبود مردم»، از بیرون جنبشی عدالت خواهانه بود، اما در درون، ساختاری بسته، مخوف و مبتنی بر اطاعت مطلق و سرسپردگی شکل داده بود. سرانجام اعضا را به منطقه‌ای دورافتاده در «گویان» برد و در انزوایی کامل قرار داد. وقتی بحران‌ها شدت گرفت و ترس‌هایی که خودش ساخته بود اوج گرفت، به دستور او ۹۱۸ نفر از پیروانش خودکشی دسته‌جمعی کردند؛ بزرگ‌ترین مرگ جمعی فرقه‌ای در تاریخ معاصر.





فاجعه «جونز تاون» (1) ناگهانی اتفاق نیفتاد؛ مرحله به مرحله ساخته شد:

کاریزمای مطلق → سلطه بر مخاطب → تئوری توطئه → دشمن سازی → تقدیس مرگ → فروپاشی.
شناخت این مسیر، راه جلوگیری از تکرار آن است.

۲. زبان خشونت؛ از کشتن تا «کشته دادن»

در سخنان منتشر شده از حسینی، سرکرده گروهک رادیکال ری استارت، ده ها مورد از عبارت های آشکار و بی پرده درباره خشونت و کشتار دیده می شود؛ مواردی که هیچ کدام در چارچوب تحلیل سیاسی عادی قابل توجیه نیستند.

حسینی (شومن تلویزیونی سابق) که از سال 1384 از ایران خارج شد، یک دهه بعد در آمریکا با تولید برنامه هایی تحت عنوان «ری استارت» مدعی تأسیس یک جریان اپوزیسیونی و عقیدتی شد. او با ترکیب التقاطی، سطحی و تحریف مفاهیم عرفان و تصوفی با شعارهای سلطنت طلبانه و رفتارها و روابط فرقه ای، چالش های هنجارشکن و ساختارشکنانه ای مانند «چالش فحش» و «چالش سنگ و آتش» را راه انداخت؛ چالشی که صراحتاً هدف آن آتش زدن مساجد در ایران بود.

به واسطه چهره شناخته شده اش، تعدادی از جوانان ساده دل و ناآگاه جذب او شدند و برخی رفتارهای خشونت طلبانه را به دستور او انجام دادند. او با بلاهایی که بر سر پیروان خود می آورد، می کوشد آنان را به قربانگاه و مسلخ بی بازگشتی بکشاند که در ذهن پریشانیش و در خط فکری بیمارگونه اش برایشان ترسیم کرده است. این در حالی است که او تلاش دارد الگوی رفتاری افراطی و تکفیری را در میان هوادارانش نهادینه کند. برای نمونه، به تازگی گفته است:

«صد نفر به عنوان گارد ویژه دارند **فدا** می شوند تا لیدرشان در 25 دسامبر تصمیم گیری کند. این 100 نفر قرار است که «**قربانی**» ری استارتهای شوندا! (2)

حسینی می گوید: «با کشتن پنج هزار نفر شاه می شوم... دو هزار و پانصد نفر شهید می دهم!». (3)
و یا: «من دست به کشتنم عالیه». (4)

و نیز: «هرکس را نظام کشت، گروه ری استارت باید او را بکشد». (5)

یا اینکه می‌گوید: «نقطه اشتراک ما با مجاهدین خلق (سازمان منافقین) این است که در کشتن ۱۰۰ نفر با هم اشتراک داریم! اما مجاهدین خلق می‌خواهند ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر را بکشند ولی با زن و بچه تو کاری ندارند؛ اینها می‌آیند فقط آن گروهی که آنها را کشتند، می‌کشند» (6)

وقتی یک سرکرده چنین بی‌پروا مرگ را ابزار رسیدن به هدف معرفی می‌کند، جامعه حق دارد نگران شود. این بازتعریف خشونت، مقدمه تصمیم‌های فرقه‌ای خطرناک است.

۳. کشته‌سازی به عنوان استراتژی

در برخی اسناد، مرگ و «کشته شدن» به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف سیاسی مطرح شده است: من «۲۵ دسامبر» تصمیم‌گیری می‌کنم، اگر بینم با ۲ هزار کشته می‌توانم رژیم را عوض کنم، با تمام قدرت میام وسط. (7)

در ساختارهای فرقه‌ای، این تغییر معنا بسیار مهم است: مرگ از یک واقعیت تلخ، به سرمایه فرقه‌ای تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که میان گفتمان حسینی و الگوی «جیم جونز» شباهت ایجاد می‌کند.

۴. دشمن‌سازی؛ جهان علیه ما

در سخنان حسینی، دامنه «دشمن» تقریباً نامحدود است: حکومت ایران، اپوزیسیون، رسانه‌ها، دولت‌های خارجی، نهادهای بین‌المللی، و حتی گروه‌های مختلف اجتماعی. (8)

این تصویرسازی یکی از مهم‌ترین عناصر فرقه‌های مخرب است. در «جونز تاون» نیز اعضا به این باور رسیده بودند که «دنیا علیه ماست» و تنها تکیه گاهشان جونز است. وقتی چنین ذهنیتی جا بیفتد، هر تصمیم افراطی (خطرناک‌ترین‌ها) قابل قبول می‌شود.

۵. توطئه‌باوری و محاصره ذهنی

در بخش‌های زیادی از گفتار حسینی، او از طرح‌های گسترده برای «حذف» یا «نابودی» خود سخن می‌گوید و همه رخدادها را در چارچوب توطئه تفسیر می‌کند. (9)

توطئه‌باوری در فرقه‌ها نقش روشن دارد:

پیروان را از واقعیت جدا و هر نقد و انتقادی را به دشمنی تبدیل می‌کند.

در چنین فضایی، خشونت نه تنها قابل قبول بلکه «ضروری» جلوه داده می‌شود.

۶. شباهت‌ها؛ چرا باید نگران بود؟

وقتی مجموعه عناصر زیر کنار هم قرار می‌گیرند:

* زبان مستقیم درباره کشتن

* تقدیس کشته‌سازی

* دشمن‌سازی گسترده و بی‌مرز

* توطئه‌محوری و احساس محاصره

* ادعاهای رسالت‌گونه و تاریخی

* بی‌اعتبارسازی رسانه‌ها و منابع مستقل

* تحریک هیجان نوجوانان، جوانان و اقشار آسیب‌پذیر

* سرسپردگی مطلق

یک ساختار شکل می‌گیرد که در پژوهش‌های فرقه‌پژوهی «مدل مستعد رادیکالیزاسیون» نام دارد.

این یعنی نه پیشگویی قطعی فاجعه، اما هشدار جدی درباره افزایش پرخطرترین رفتارها.

همین الگو در «معبود مردم» دیده شد.

همین الگو در دیگر فرقه‌های مخرب تکرار شده است.

و همین الگو امروز در گفتار رسمی لیدر ری‌استارت آشکار و مستند است.

نتیجه گیری

این یادداشت به هیچ وجه پیش‌بینی قطعی یا اتهام‌زنی نیست؛ بلکه هشدار مبتنی بر روند پژوهی و اسناد گفتاری و رفتاری موجود است. اسنادی که در آنها مرگ، کشتن، تلافی و قربانی‌دادن، به عنوان عناصر مشروع و بخشی از مسیر «تحول» معرفی می‌شوند. تجربه «جونز تاون» یادآور این است که فاجعه‌ها با «سخنان کوچک» شروع می‌شوند، نه تصمیم‌های بزرگ. شناخت زود هنگام الگوهای خطر، بهترین راه پیشگیری است. اگر جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و نهادهای مدنی این نشانه‌ها را جدی بگیرند، می‌توان پیش از رسیدن فضا به نقطه بی‌بازگشت، آگاهی ایجاد کرد و آسیب را کاهش داد.

پی‌نوشت‌ها

1. جونز تاون: نام شهرکی در کشور گویان آمریکای جنوبی که محل سکونت فرقه «معبود مردم» به رهبری جیم جونز بود و در سال ۱۹۷۸ فاجعه خودکشی دسته‌جمعی بیش از ۹۰۰ نفر از پیروان فرقه در آن رخ داد.
2. برنامه «مردی که همه چیز را می‌دانست!» در تاریخ ۱۱ آبان ۱۴۰۴
3. برگرفته از برنامه‌های سید محمد حسینی منتشر شده در بازه زمانی ۳۰ شهریور تا ۲۰ مهر ۱۴۰۴، شامل: اختاپوس، تا هفتم آبان، MIGA#، پیدایش گلوبالیسم، چالش مولانا و برنامه‌های دی‌ماه ۱۴۰۴
4. همان منبع
5. برنامه پاشنه آشیل، منتشر شده در تاریخ ۷ آبان ۱۴۰۴
6. ویژه برنامه‌ای با عنوان «نه شاه، نه خمینی، خدا، میهن، حسینی!» در تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۴
7. برنامه مردی که همه چیز را می‌دانست، منتشر شده در تاریخ ۱۱ آبان ۱۴۰۴
8. برنامه‌های منتشر شده در تاریخ ۲۳ آبان ۱۴۰۴: ویژه برنامه نه شاه، نه خمینی؛ خدا، میهن، حسینی و برنامه پاشنه آشیل
9. همان منابع شماره ۱ و ۲؛ یعنی برنامه‌های منتشر شده در بازه ۳۰ شهریور تا ۲۰ مهر ۱۴۰۴ (اختاپوس، تا هفتم آبان، MIGA#، پیدایش گلوبالیسم، چالش مولانا و برنامه‌های دی‌ماه ۱۴۰۴)